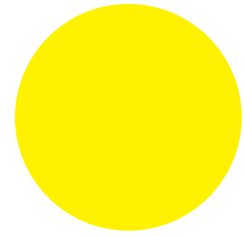


## ایران



## • صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:  
علی متقیان

## • سردبیر:

هادی خسروشاهی

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۳ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸

• صندوق پستی: ۵۳۸۸-۵۳۸۸۵ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه های همشهری

• سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)

• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۴۸۸۹۲-۸۸۵۴



«ایران» رادر صفحه های مجازی دنبال کنید



## منوچهر هادی و ساخت یک سریال اجتماعی

سریال جدید منوچهر هادی که به مسائل اجتماعی و شهری تهران بزرگ و خدمات شهری می پردازد، در ژانر درام تولید می شود.

تصویربرداری این سریال که هنوز نامش هم مشخص نیست، به کارگردانی منوچهر هادی و تهیه کنندگی سلیم ثنائی مدتی است در تهران آغاز شده است. سریال تازه هادی با فیلمنامه ای از امیرمحمد عبیدی درباره مسائل و مشکلات روزمره مردم در زندگی شهری است. / ایستا



## تولید «کج پیله» با بازی الناز شاکردوست

فیلمنامه سینمایی «کج پیله» به تهیه کنندگی و کارگردانی هاتف علیمردانی، مدتی قبل پروانه ساخت گرفته و با پیوستن مهرا مدیری و الناز شاکردوست به گروه بازیگران، وارد مرحله پیش تولید شده است. فیلمبرداری این فیلم سینمایی اوایل بهمن در تهران آغاز خواهد شد و سایر بازیگران این پروژه نیز بزودی معرفی خواهند شد. «کج پیله» دهمین فیلم سینمایی هاتف علیمردانی پس از فیلم های «به خاطر پونه»، «مردن به وقت شهربور»، «کوچه بی نام»... است.



## همکاری امین حیایی با صدراعظمی

به گفته محمدرضا کریمی صارمی معاون تولید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کانون امسال با فیلم «زیبا صدایم کن» ساخته رسول صدراعظمی در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر ثبت نام کرده است و ما این فیلم را به دبیرخانه جشنواره تحویل داده ایم. همچنین با یک فیلم دیگر هم در جشنواره ثبت نام کرده ایم که در حال تدوین است و اگر آماده نمایش شود، آن را هم برای بازیابی به جشنواره ارائه می کنیم. امین حیایی نیز در این فیلم نقش آفرینی کرده است. / مهر



## حضرت محمد (ص):

خوشبخت ترین مردم کسی است که با مردم بزرگوار دوستی و معاشرت کند.



سخن روز

بخارااتوار، جلد ۷۴، صفحه ۱۸۷



نقل قول

## اگر نیت صدساله دارید، انسان تربیت کنید

عقیده من بر این است که ساخت دو فیلم خوب بهتر از چند فیلم سرشار از ایراد است و باید به مقوله کیفیت به طور جدی توجه شود. همچنین نیاز است تا از نظر اقتصادی نیز در سینما بازگشت سرمایه صورت بگیرد. نکته دیگر اینکه چشم انداز من هیچ گاه دریافت جایزه از جشنواره های مختلف نبوده است، بلکه همواره دغدغه ساخت یک فیلم استاندارد را داشتم، به همین دلیل هم فیلم هایی که کارگردانی کردم، عموماً دیده شدند. به عنوان مثال در فیلم «چوپان دروغگو» که عنوان دومین فیلم سه گانه من بود، قصد داشتم به بهانه دهقان فداکار، اشاره ای به فرهنگ آذری داشته باشم. جمله ای وجود دارد که می گوید اگر نیت یک ساله دارید، برنج بکارید، اگر نیت ۱۰ ساله دارید، درخت بکارید و اگر نیت صد ساله دارید، انسان تربیت کنید. سینما توگراف انسان تربیت می کند و امیدوارم روزی جامعه با آمادگی بیشتری به سمت سینما توگراف مایل شود.

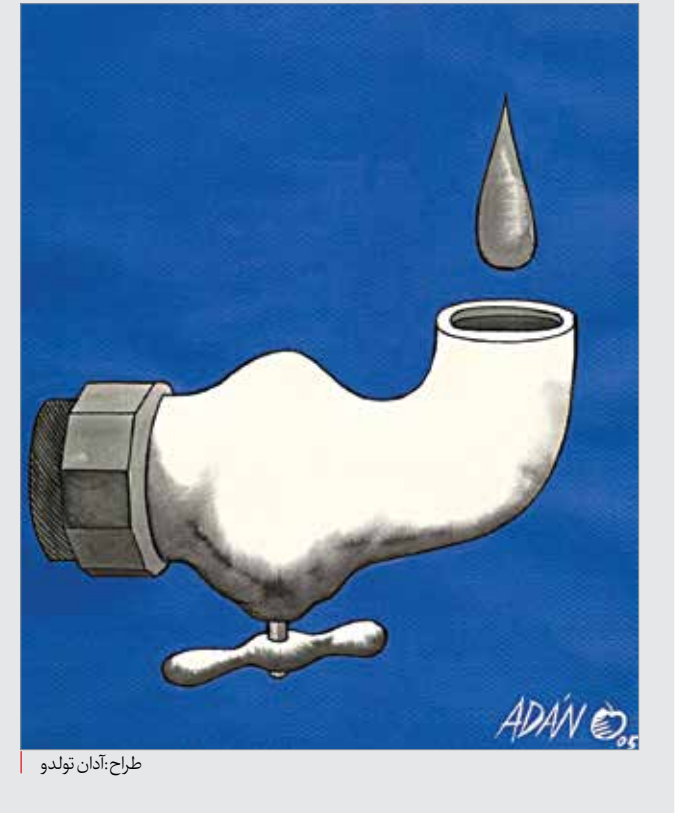


بخشی از صحبت های منتشر شده سیروس حسن پور نویسنده و کارگردان سینما در ادامه انتشار سلسله گفت وگوهای تاریخ شفاهی موزه سینما



نگاره

قطره قطره آب، لحظه لحظه زندگی است  
لحظه های زندگی را هدر ندهیم.



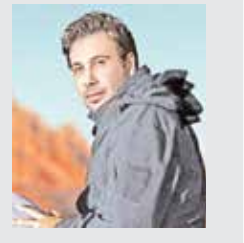
طراح: آدان تولدو

## فضای مجازی

## دلنوشته هوشنگ کامکار برای فروغ

هوشنگ کامکار، آهنگساز پیشکسوت موسیقی ایران در نودمین سالروز تولد فروغ فرخزاد گفت وگویی کوتاه در صفحه اینستاگرامش منتشر کرده و درباره او گفته است: «آن زمان که سندیج بوم، با تمام شاعران معاصر خصوصاً فروغ فرخزاد آشنا شدم و بعد از آن که برای تحصیل در دانشگاه هنرهای زیبا به تهران آمدم آشنایی بیشتری با ادبیات ایران پیدا کردم. نکته جالب اینکه خانه مادر همسرم در جوانی نزدیک به منزل فرخزاد بود و همیشه با هم در ارتباط بودند و از خصوصیات فروغ برایم بسیار گفته بود و من را خیلی تشویق کرد که به اشعار فروغ بپردازم و این موضوع بسیار در من تأثیر گذاشت. از نگاه من یکی از خصوصیات مهم اشعار فروغ، ابراز بدون تظاهر عواطف درونی و بی پرده احساساتش بود. احساسات شاعرانه اش بدون پرده در اشعارش نمایان بود. او در زمانه خود شاعر بسیار بزرگی است. انسانی آزاده و آزاداندیش، تا بدانجا که به آنچه ایمان داشت هم عمل می کرد و هم در اشعارش هویدا بود. نکته دیگری اینکه نباید زندگی خصوصی هر هنرمندی را با آثارش آمیخته کرد که متأسفانه برخی این فضاوت های بد را درباره او داشته اند. او شعری در این باره دارد که خیلی جالب است، می گوید: «این جهان پر از صدای حرکت پایای مردمی ست که همچنان که تو را می بویستند، در ذهن خود طناب دار تو را می بافند.»

## هنرو انسان دوستی



گلاره عباسی با انتشار تصویری از محسن چاوشی، خبر آژانس ساری ۶۰۰ زندانی توسط این هنرمند را باز نشر کرده است. بنابراین خبر، رئیس ستاد دیه کشور اعلام کرده است. محسن چاوشی خواننده محبوب و نام آشنای موسیقی ایران، از ابتدای امسال تا کنون مبلغ ۷ میلیارد تومان برای آزادی زندانیان جرایم غیر عمد کمک کرده است. این اقدام خیرخواهانه و قابل تقدیر منجر به آزادی ۶۰۰ نفر زندانیان شده که توانسته اند به آغوش خانواده و جامعه بازگردند. به گفته رئیس ستاد دیه، این مبلغ قابل توجه است و تأثیر بسیار زیادی در آزادی زندانیان داشته. جالب است که پس از انتشار خبرهای مربوط به کمک های ایشان، هنرمندان دیگری نیز به ستاد مراجعه کرده و اعلام علاقه مندی کرده اند تا در این مسیر خیرخواهانه سهیم باشند. این حرکت نیکوکارانه نشان دهنده تأثیر مثبت افراد سرشناس بر جامعه و تشویق دیگران به مشارکت در امور خیر است. چاوشی نه تنها با صدای ماندگار خود دل های بسیاری را تسخیر کرده، بلکه با اقدامات خیرخواهانه خود بارها ثابت کرده است که هنر و انسان دوستی می توانند دست در دست هم جهان بهتری بسازند.

## گزارش

## ندا سیجانی

روزنامه نگار

«بازیگران هیچ چیز نیستند. تنها خمیر بازی اند یا عروسک خیمه شب بازی. این وسط نویسنده ها همه کاره هستند. بدون نویسنده اصلاً بازیگری وجود ندارد و داستان و دیالوگی هم نخواهد بود.» این جملات بخشی از مونولوگ نمایشنامه «اکتینگ» است. نمایشی که در تماشایخانه ایرانشهرخانه هنرمندان به روی صحنه رفت و در شب های پاییزی ایرانشهر، مشتاقان بسیاری را با خود همراه کرد و بسیار مورد استقبال قرار گرفت. اثری به تهیه کنندگی محمد قدس و نقش آفرینی هوشنگ قانونلو، محسن بهرامی و بازیگر کهنه کار، اکبر زنجانیپور. زنجانیپور از چهره های نام آشنای هنر ایران زمین است. پیشکسوت سینما، تلویزیون و بازیگری کارگردان تئاتر با کارنامه ای پر بار و ارزشمند که خود معترف تجربه بیش از نیم قرن فعالیت است و کوشش او در بیان یک هنرماندگار سخی و کوشش او در بیان یک



زنجانیپور:

این نمایشنامه

می تواند

دغدغه فردی

نباشد، چرا

که امروزه

بسیاری به کار

تئاتر مشغولند

اما دغدغه

آنها خود تئاتر

نیست. در واقع

هزار نکته

باریک تر ز موی

اینجاست

## واما «اکتینگ»

«اکتینگ» تازه ترین اثر اکبر زنجانیپور است که پس از ۸ سال دوری اش از صحنه تئاتر با بازی او به نمایش درآمد. «اکتینگ» به نویسندگی «ژیویه دورنزه» نمایشنامه نویس، کارگردان تئاتر و سینمای معاصر فرانسوی است که سال ۱۳۹۷ در قالب کتابی با عنوان نمایشنامه های «هوس گشتن روی نوک زبان» و «اکتینگ» با ترجمه فارسی «زیبا خادم حقیقت» از سوی نشر نیماژ منتشر شد.

آنگونه که در معرفی نویسنده این کتاب آمده: «ژیویه دورنزه در آثار نمایشی خود با زبانی خاص شخصیت های تنهایی را به تصویر می کشد که در فرار از گذشته های نافرمان و در هراس از آینده های ناشخص و در رویارویی با افرادی از جنس خود در دنیایی خشونت بار، ناامیدانه در پی رنگ بخشیدن به لحظه های زمان حال خود هستند.»



برش

بهمن فرمان آرا، نوید محمدزاده، الیکا عبدالرزاقی، سعیدچنگیزیان، نصرالله رادش، صدرالدین زاهد، حبیب رضایی، پرواهمسی، جمشیدگرگین، علی اوجی، الهام پاونزه‌آزاد، فرزاد حسنی، محمود دولت آبادی، نادره رضایی، افشین هاشمی، رضا بابک، مهرا مدیری، میکائیل شهرستانی، اتابک نادری و پارسا پیروز فراز جمله هنرمندانی بودند که به تماشای نمایش «اکتینگ»، آخرین اثر اکبر زنجانیپور نشستند.

## اکبر زنجان پور به «ایران» از «اکتینگ» آخرین نمایش اش می گوید

## رمز وراز استاد صحنه

## گزارش

## ندا سیجانی

روزنامه نگار

و در «اکتینگ» این تنهایی ازسوی یک بازیگر روایت می شود. تنهایی که هنرمند را در زندان درونش حبس کرده او را به سوی مرگ دعوت می کند تا پایانی برگزیده نافرمان و امید و رویاهایی باشد که در سر می پروراند. در واقع متن این نمایشنامه شاید بیان دغدغه های انسان معاصر باشد که گرفتار فلسفه های ذهنی خود است. داستان این نمایشنامه به زندانی تازه واردی اشاره دارد که بازیگر تئاتر و استاد بازیگری است و تلاش دارد هم سلولی اش را که یک خلافکار است به فکر اندازد که او آموزش بازیگری ببیند و بازیگر شود.

## آغاز داستان...

دکور صحنه، نمایانگر سلولی است با ۶ تخت و ۶ چهارپایه و ۳ هم سلولی که در بند کشیده شدنشان هریک داستانی است. «اورس» که کلامی سخن نمی گوید و مشغول کارهای روزمره خود و نجوای موسیقی است، «ژیوتو» خلافکاری که در پایان به یک آرتیست تبدیل می شود و «روبر» استاد بازیگری که اهداف بزرگی در سر دارد.

پیش از آمدن روبر (اکبر زنجانیپور)؛ ژیتو (محسن بهرامی) او اورس (هوشنگ قانونلو) منتظر میمانی هستند که نمی دانند جرم او چیست؟ قاتل، جنایتکار، معاند، تجاوزگر...

«روبر» ۱۸ سال حبس دارد و مدت زمان زیادی میمان این سلول است و زندگی خود با هم سلولی اش می گوید که یک بازیگر است و بر این باور بوده که «بازیگران هیچ چیز نیستند و تنها خمیر بازی اند؛ عروسک خیمه شب بازی. این وسط نویسنده ها همه کاره هستند. بدون نویسنده اصلاً بازیگر وجود ندارد. بدون نویسنده داستان و دیالوگی نخواهد بود و شاید هیچ چیز نباشد. بدون نویسنده بازیگر باید برود گوشه ای بنشیند و منتظر بماند تا شاید یکی پیدا شود و چیزی برایش بنویسد. یک بازیگر تنها، مثل یک آدم مرده است و برای پر کردن تنهایی اش دست به هرکاری می زند. آنقدر به این ور و آن ور زنگ می زند تا آخر سر، یک نفر زنگ بزند و بگوید برای شرکت کردن در گردهمایی بازیگران ناشناس

آخر هفته به شهرستان برود. یک بازیگر بدشانس بهتر است اصلاً به دنیا نیاید. او یک سیاهی لشکر است.» موضوع این نمایشنامه شاید بیان طول زندگی هنری خود این دیالوگ را بارها و بارها با خود تکرار کرده و در خود شکسته اند، اما دم نزدند تا بلکه آرزوهایشان کشته نشود و روی صحنه باشند. اما گاهی آنهایی که یک سرورگردن بالاتر بودند، نگذاشتند دیده شوند.

زنجانیپور (روبر) این افسوس را این گونه بیان می کند: «بازیگران محبوب در پرده سینما را قد بلند و خوشگل می بینید اما وقتی در زندگی واقعی با آنها برخورد کنید، اتفاقاً کوتوله هستند. آنها برای خوشگل شدن هرکاری می کنند و همه اش جاجان است اصلاً سینما جاجان است. سینما یعنی من هر کاری می کنم تا تو خیال کنی واقعی است اما دروغ محض است. سینماگران مانند اختلاس گران، کلاه مردم را برمی دارند. اما من روی حافظه بدن کار می کردم. من هنرپیشه تئاتر بودم.»

## بودن یا نبودن مسأله این است!

این صحبت ها، ژیتو را به بازیگر شدن ترغیب می کند. ژیتویی که هیچ استعدادی ندارد و از روبر می خواهد بازیگری را به او آموزش دهد. «از من همه نقش ها را بازی کرده ام.»

روبر (زنجانیپور) از ژیتو (محسن بهرامی) می خواهد به جای تماشای برنامه های بی ارزش تلویزیون، بخشی از مونولوگ نمایشنامه هملت اثر ویلیام شکسپیر را از بر کند و در قامت همان شاهزاده به اجرا بگذارد و ژیتو سرانجام پس از آزمون و خطاهای بسیار، موفق می شود و مورد تشویق روبر قرار می گیرد...

«هملت» نمایشنامه ای تاریخی است که ویلیام شکسپیر آن را در قرن شانزدهم میلادی بر اساس موقعیت های اجتماعی خود نگاشته و از این نگاه برداشت های متفاوتی بر اساس مقتضیات زمانی، می توان داشت. در بخشی از نمایشنامه «اکتینگ» روبر (زنجانیپور) این مونولوگ زیبا و ماندگار «هملت» را زمزمه می کند: «بودن یا نبودن؟ مسأله این است! آیا شرفیتر آنست که ضربات و لطامات روزگار نامساعد را تحمل شویم و یا آنکه سلاح نبرد در دست گرفته با انبوه مشکلات بچنگیم تا آن ناگواری ها را از میان برداریم؟ مردن... خفتن... همین ویس؟» و این جملات آغازی بر ده پایان رساندن زندگی روبر است. «روبر» جرمش به قتل رساندن یک تهیه کننده تلویزیون است. فردی که



## هزار نکته باریک تر ز موی



برش

استاد اکبر زنجانیپور رگپ گفتی کوتاه با «ایران» پیام این نمایشنامه را به درک و دریافت و حس زیبای شناسی مخاطب واکذار می کند و بر این باور است آنچه در ذهن آدم ها باقی می ماند، به او زیبایی می بخشد. بطور مثال یک نفر می تواند ۱۰ کتاب بخواند اما از آن تعداد کتاب، تنها یک جمله زیبا قابل درک و دریافت باشد.

در هنر آنچه را نمی توان صد درصد بیان کرد نباید گفت. مانند ارتباط انسان با انسان! چه کسی می داند چه چیز درست یا غلط است؟ در واقع زیبایی انسان در این است که حامل یک رمز و رازی برای آینده باشد. من بر این نظرم هر بازیگر برای خود یک رمز و رازی دارد اما خود آگاه به آن نیست و در درونیات و تجربیات بازیگر نهفته است و به همین سبب یک بازیگر از بازیگر دیگر متفاوت می شود، چرا که با دو ذهنیت متفاوت هستند. بنابراین مخاطب باید خود به این رمز و راز پی ببرد. یک اثر هنری در مقابل مخاطب هنری است که مدام با یکدیگر در ارتباطند.

این استاد پیشکسوت درباره انتخاب این نمایشنامه و دغدغه امروز هنرمندان بیان می دارد: «این نمایشنامه می تواند دغدغه فردی نباشد، چرا که امروزه بسیاری به کار تئاتر مشغولند اما دغدغه آنها خود تئاتر نیست. در واقع هزار نکته باریک تر ز موی اینجاست. قرار نیست با اجرای این نمایش پاسخی دریافت شود. موضوعی روی صحنه آمده و می تواند پاسخی هم نداشته باشد و تنها یک درد دل است. البته درد دل کردن، خود یک دنیا حرف و سخن در بیان کلماتی است که می تواند دغدغه ذهنی مخاطب باشد.»

آرزوهای او را گشت. آرزوهای بر باد رفته آقای بازیگر، او از ژیتو می خواهد هدفش را ادامه بدهد.

## ویپایان نمایش

نیمه های شب است و هم سلولی هایش به خواب عمیقی فرو رفته اند. روبر خود را در قامت بازیگری تصور می کند که به سالن نمایش آمده و از در مخصوص هنرمندان نظاره گر تماشاگران است: «در یک چشم بهم زدن خود را به در اتاقم می رسانم. می روم روی صحنه و از پشت پرده به صدای تماشاگرها گوش می کنم که وارد می شوند و با یک همه همه خفیف جای خود را پیدا می کنند... سعات از دل تاریکی اوچ می گیرد.»